نگاهی اجمالی بر نقش اسطوره در ادبیات نمایشی

داریوش حیاتی تازه کند

انجمن هنرهای نمایشی شهرستان پلدشت



بشر از بدو تولد تا هنگام مرگ همواره در پی دست یابی ورسیدن به آمال وآرزوهایی ست که ممکن هم جنبه مادی وهم معنوی داشته باشد . طرق وصال به این اهداف از نظر هرفردی نسبت به فرد دیگر متفاوت است همان طوری که دریک نظام وابسته مانند خانواده عقاید وآرا برادری با برادر دیگر در نزاع و اختلا ف است در مورد نگرش و جهان بینی افراد هم باید شرط جدایی قائل بود.

جهان غرب با ابراز و علاقه به مباحث اومانیستی تا حدی راهش را از مباحث ماواراءالطبیعه و معنویات گسسته وبا وضع قوانین نوین وبرخواسته از اهداف مادی نگر تیشه بر ریشه اعتقادات دینی ومذهبی وانحرافات فکری جوانان و اعلام آزادی خواهی برای هریک از افراد بشر موجب شکل گیری شکافی عمیق بین دو جنبه جهان مدرن وآخرت گرایی گشته است.

 حال با ذکر این موارد به نظر برسد هرگز قهرمان خیالی و اسطوره ای فرد مذهبی با انسان غربی قابل قیاس نباشد.

اسطوره ازاین نظر که نگرش و دیدگاه های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان وآفریدگار بیان می کند حائز اهمیت و معنادار به نظر برسد و اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان است در برابر درماندگی ها و ضعف آدمی در مقابل و رویارویی با آرزوها وترس وی ازحوادث پیش روی.

اسطوره نشانه ای از عدم آگاهی بشر از علل واقعی حوادث است.

اسطوره در فرهنگ ایرانی داستان وسرگذشتی مینوی آسمانی روحانی آن جهانی است.

اسطوره از واژه ای یونانی (هیستوریا ) به معنای جستجو – آگاهی – داستان ) و واژه یونانی میتوس (شرح – خبر و قصه ) است.

منابع اساطیر ایران منابعی هندی – اوستایی – مانوی – پهلوی – عرب و فارس نگاره ها و نوشته های مورخین غیر ایرانی است.

تاثیر اسطوره در تکوین تئاترتوسط پژوهشگران حوزه مطالعات تئاتر راهی را فراسوی علاقمندان به هنر نمایش قرار می دهد.

یونان و هند باستان - اسطوره

در یونان باستان اسطوره در تقابل با فلسفه از باوری عمومی به موضوعی ایستا مبدل گشت اما در شرق بالاخص درهند باستان موضوع دین وفلسفه واسطوره قابل تفکیک نیستند وهرکدام ازموارد فوق درکنار دیگری معنا می یابد.

تعریف وتمجید حماسه سرایان هندی از اسطوره های این سرزمین از خدایانی که زاییده تفکرات مردمان دوران باستانی هند است جلوه ای نمادین به حوزه مطالعات اسطوره داده وهنرمندان عرصه نمایش وسینمای این کشور را برآن مصمم ساخته تا با الگو پذیری ازاین اعتقادات جهان معاصر را تحت تاثیر اعتقادات و الگوواره های حماسی واساطیری که بیشتر جنبه نمادین (سمبلیک) دارد قرار دهند.

درام سانسکریت در هندوستان عصاره قدرتمند نشانه های مربوط به اساطیر برهمنی است وبرآمده از نظریات ناتیا شاستراست.و مبدا ناتیاشاسترا اعتقاد به منشا اسطوره ای تئاتر است واین درام از دوجهت به اساطیر وابسته است نخست درفضای اجرایی ودیگر درموضوعات انتخابی.

آن چه در روزگار معاصر همچنان ارتباط تنگاتنگی میان اساطیر و هنرهای نمایشی هندوستان پدید می آورد نمایش هایی آیینی است که که منشا برخی از آنها حتی تاعصر ودایی به عقب باز می گردد.

در هندوستان به چند مورد از آیین های نمایشی مرتبط با شخصت های اسطوره ای این سرزمین اشاره ای داشته باشیم

نمایش کریشنا نام زندگی کریشنا را به تصویر می کشد که این نوع نمایش همراه با رقص وموسیقی است و به کاتاکالی شباهت دارد.

نمایش رام لیلا داستان راما وکریشنا است در ایالت اوتار پراداش که متن آن به صورت شاعرانه ای توسط آوازخوان ها خوانده می شود این درحالی ست که بازیگران درسکوت بازی می کنند.

یاکشاگانا نمایشی برداشت از رامایانا ومهابهاراتا و پوراناهاست که حالتی دراماتیک و رقص گونه دارد.

راس لیلا داستان رادها وکریشناست که درقرن شانزدهم میلادی در معابد اجرا می شده است.

نمایش کاتاکالی برداشتی ازپوراناها وبهاگوات گیتاست در کرالا برگزارمی شود و از معروفترین هنرنمایشی هند درغرب است.

کوچی پودی داستان همسر کریشناست که حاین نوع نمایش هم در حوزه ادبیات نمایشی در ردیف نمایش اطوره ای هندوستان قرار می گیرد.

در مباحث تحقیق و بررسی نگاهی بر اسطوره در نوشتار بعد به سراغ اساطیر ایران باستان خواهیم رفت ونحوه شکل گیری شخصیت های نمایش سرزمین مان در حوزه اسطوره شناسی از دوران آفرینش زمین تا عصر تاریخی را بیان خواهیم نمود.

اساطیر ایران

اسطوره های ایران زمین ریشه و اساس خود رادر قرون قبل از عصر ایران اسلامی دارند.و از موضوعات اصلی و کلیدی و نقش تعیین کننده در اسطوره های ایرانی ستیز مستمرمیان صفات نیک وبد و روشنایی وظلمت و نیز نیروهای خیر وشر است.

شاهنامه فردوسی نمایش بارز نبرد وجدال میان اساطیر کهن ایرانی را بازگو می کند و زمینه مناسبی برای روایتگری حماسی را فراهم ساخته است.انتقال مضامین وقصه های کهن باستانی بالاخص اسطوره درمیان مردمان این تمدن کهن از نسلی به نسل دیگر به صورت مکتوب وهم چنین ادبیات شفاهی وسینه به سینه ازنسلی به نسل دیگر باعث شکل گیری هنرهایی چون هنر تعزیه گردید و وبا توجه به همین ریشه اساطیری است که در تعزیه های مذهبی ایرانی ما شاهد نبرد وکشمکش میان دو مقوله خیر وشر هستیم و می توان گفت تعزیه نمودی ازتراژدی غم انگیزاسطوره ای درگستره سرزمین اسلامی است.

اُسطوره ها، شخصیت های برجسته و ماندگاری هستند که در بخش تاریک تاریخ ملّت ها یعنی پیش از شروع تاریخ نگاری و کتابت زیسته اند و به دلیل نقل شفاهی و سینه به سینه، با اشیا و حوادث و سَمبل ها و آرمان های ملّت ها در آمیخته اند و به نمادهای هویتی برای آنها و فرهنگشان تبدیل شده اند، گرچه به تمامی حقیقت ندارند و در وجودشان، حقیقت و رؤیا (آرمان)، به هم گره خورده است، مانند: سیمرغ (هُما) و زال و رستم در فرهنگ ایرانی و گیلگُمش در بین النهرین و حاتم طایی در حجاز و اطلس و آشیل در یونان .

انسان از طریق مختلف در پی دست یابی به اهداف وآرزوهای نفسانی خویش هست حال اگر از طریق دینداری واعتقاد به عالم ماوراء نتواند به نیازهای معنوی و عقیدتی خویش پاسخ دهد به پرورش و تربیت ذهنی خیالی می پردازد و الگووارهایی می سازد که مناسب و شایسته انتظارات شخصی وعقیدتی اش باشد حال باگذ ر قرن ها از پیدایش مباحث اسطوره ای در میان ملل جهان واینکه آیا اساطیر نمادی واقعی داشته ومورخان ومولفان مربوط به حوزه مطالعات اسطوره آنها را با اغراق گویی ومبالغه و بزرگ پنداری در اذهان عامه به مظهری ازنامیرایی وبی مرگی ودست نیافتنی مبدل ساخته اندذهن مخاطب را با اما و اگرهایی مواجه می سازد که فقط از دوطریق می تواند از این معمای تاریخی بگذرد

نخست به تحقیق وبررسی دقیقی از وقایع تاریخی و حماسی ملل جهان بپردازد و منابعی رجوع نماید که ریشه در حقیقت راستین وقایع تاریخی دارد و دیگر آن که در حوزه دین وعقل که سعادت بشری در گرو همین دومقوله است به گره گشایی این مسءله روی آورد.

تعزیه در ایران زمین یاداور رشادت ها و آزادگی شجاع مردانی ست که به خاطر احترام واعتقاد به ارزشهای معنوی وانسانی حماسه ای دینی را ازچندین قرن پیش فراروی تماشاگران هنر نمایش می گذارد که با رجعت به حوزه دین شناسی وپژوهش در مباحث تاریخی اسلامی می توان به درستی و واقعیت این امرپی برد . حادثه ای که نشانگر و تقابل دروامر خیر وشر میان دو گروه است و ظلمت و تاریکی با آن که به نظر خود نور را از پای درمی آورد اما این پایان ماجرا نیست بلکه نوری که همیشه مظهرعدالت ودینداری ست با خون مطهرش سیاهی وظلمات نفس را با مظلومیت وایمان به معبودی ابدی وازلی که ریشه در تبار پاکش دارد محو غرق در تسلیم به رضای معبود می کند .

به نظر می رسد انسان ها هر قدرمحودر جهان و صنعت ماشینسم می گردند کهن الگوها ومیتوس ها و ابرانسان ها چهره ای نمادین به خود می گیرند و تنها از طریق قدرت وتاثرات رسانه های نوین ارتباطی می توان با جهان اسطوره ارتباط برقرار کرد و دیگر زاییده ها ی فکری وتخیلات بشر مدرن راهی به سوی اسطوره انگاری و قهرمان پروری ندارد و آینده گنگ و مبهم وبه ظاهر غرق در ساختار رباتیک وهوشمند سازی وقت خویش رابیشتر صرف تولید محتوا درقالبی ابزار محورسیر کند.

البته لازم به ذکر است هرگز اسطوره وآیین های زمینی راهی جز زوال وانحطاط عقیده بشری از نگرشی معنوی فراسوی بشر طی ادوار تاریخی قرار نداه اند وتنها راه گریز و نجات از بن بست های عقیدتی ومعنوی واز همه مهمتر حس پرستش ونیاز را در عالمی فراواقعی و سور ئال از دیدگاه زمینی و جهانی جبروتی از نگرش آسمانی والهی یعنی ماورالطبیعه (علم به معرفت هستی) می توان جست .

اهمیت وجایگاه تئاتر دینی ومذهبی آن هم از دینی تکامل یافته از سایر ادیان با بهره مندی از دانستنی های علوم قرآن وحدیث افق های روشن و حقیقی را به عرصه ظهور خواهد رسانید و اساطیر و قهرمانان و دلاور مردانی و شیرزنانی را در بطن همین منابع می توان جست که علاوه بر حقیقت محض زندگانی این اشخاص و اثبات حقانیت آنها توسط سایر علوم انسانی مرتبت اسطوره ای و حماسی این قدیسان موجب نهان گشتن راهی نورانی درتنگناهای فکری غرب زدگان مادی نگر خواهد بود ودیگر اثری از پوچ گرایی و ناتوانی و عدم آگاهی از حقیقت هستی برای بشر مدرن نخواهد بود.